

سیامک (محمدجواد) شجریان - متولد مشهد، ۱۳۳۱
مؤختن آواز و ردیفهای موسیقی ایرانی را نزد آقایان غفوریان
و غلامحسین ظهیرالدینی آغاز کرد و از محضر برادر هنرمند
استاد محمدرضا شجریان، والاترین چهره آواز ایران با استفاده از
نواهای اساتیدی چون مهرنوش و عبدالله خان دوامی بهره‌های
فراوانی برد. سنتورنوازی را در سال ۱۳۴۶ در مشهد نزد آقای
برهانی فرا گرفت. او همچنین دستی در نواختن سه‌تار و تنبک
و ساختن سنتور دارد. سیامک شجریان، خواندن را از دوران
دبیرستان با فرهنگ و هنر مشهد آغاز کرد و سپس در سال
۱۳۵۵ برای ادامه تحصیل و پیشبرد فعالیت‌های هنری خود به
امریکا رفت و در آنجا مقیم شد. او تا به حال در داخل و خارج
از کشور، با گروه‌های زیادی همکاری داشته که از آن جمله
می‌توان به «گروه اساتید» به سرپرستی استاد فرامرز پایور و

«گروه عشاق» به سرپرستی اسماعیل تهرانی اشاره کرد.
حاصل فعالیت‌های او دو اثر «گرشمت نرگس» (با اهتکساری
فرامرز پایور) و «پیر می فروش» (با اهتکساری محمدعلی
کیانی نژاد) منتشر شده است. «طنیب دل» با اهتکساری
محمدجواد ضریبان، تازه‌ترین اثری است که با صدای سیامک
شجریان این فرزند خلف خاندان آواز ایران، می‌شنویم.
استاد محمدجواد ضریبان متولد ۱۳۱۲، ۱۳۲۹ نوازنده سنتور،
اهتکسار، هنرآموزخانه نزد دکتر داریوش صفوت و دانش‌آموزخانه
نزد زنده‌یاد دکتر محمدتقی مسعودیه، از هنرمندانی است که
اساس کار خود را موسیقی ملی قرار داده و تنظیم‌های او بین
دیگر همکاران و هم‌دوره‌ای‌های او، صدایی دیگر دارد. هم‌بطور
استعداد و خلاقیت سینا جهان‌آبادی هنرمند خوش‌نواز و خوش
ذوق جوان که تنظیم‌های زیباترندی دارد.

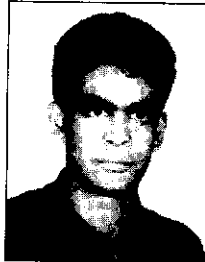
نواز و نوح فشرده «طنیب دل»، تشکیل شده از تعدادی قطعات
در قالب «اهتک-ترانه» است. تنظیم و آواز کستر لسیون این قطعات و
بسترسازی صوتی آن برای صدای خواننده، از نوعی است که در
موسیقی ما از چهل سال پیش تا امروز، سابقه و طرفدارانی
دانشسته و هموز هم دارد. اجرا کنندگان (اهتکسازان،
نوازندگان و گاه خوانندگان) این نوع از موسیقی
ایرانی، به ارکسترهای بزرگی که بهترین آنها در
وزارت فرهنگ و هنر ساق و پا در رادیو تهران
کار می‌کردند تعقیق داشتند و موسیقی آنها برای
مردم ایران خاطره‌انگیز است. بسیاری خوانندگان
معروف، در ابتدا و با واسطه راه خود، بخشی از
محبوبیت خود را مرهون اجرای قطعاتی می‌دانند
که با این نوع سلیقه و برداشت از موسیقی ایرانی،
ساخته شده و به تنظیم و اجرا رسیده است. از جمله،
شهره‌ترین خواننده فارسی‌زبان امروز، استاد محمدرضا
شجریان (که در آن سالها به نام سیاوش بیدکانی می‌خواند)
و فرزند خوش‌صدا و مستعد او همایون شجریان، ساخته‌هایی
سکین و دلنشین را در این حال و هوا خوانده‌اند.

از جمله «مبتلا» و «دوئت عشق» (همراه با حسن یوسف
زمانی) و «سبب وصل» (همراه با محمدجواد ضریبان، اهتکسار
و تنظیم‌کننده قطعات آلبوم که نهایت تلاش خود را در هر چه
بهتر صدای او کستر میدون دانسته است) و اکنون، محمدجواد
(سیامک) شجریان - صدایی دیگر از خاندان آواز ایرانی - ذوق و
توانایی خود را در این میدان آزموده است. صدایی که با وجود
خوبشوندی جسمانی و روحانی با خانواده هنر به ویژه با برادر
هنرمند خویش، از حمل مقلدان صدا و حالات اسناد شجریان
جداست و امضای متمایز خویش را دارد. آوای گرم و سوخته‌حال
او با تمیز شنیداری‌ای که حاکی از سالها تجربه خوانندگی در
صحنه و پیش روی مردم است، از زمره واهایی است که در ذائقه
زیباشناسی مردم اهل موسیقی، استخوان خود را داده و مقبول طبع
مردم صاحب‌نظر شده است.



رضامهدوی

سپهر مردی



ولی‌الله کاووسی

این قدر شاهد جولان این همه موسیقی «صد من ده شاهی» که تحت عنوان پاپ به خورد مردم می‌دهند، نمی‌بودیم. و اکنون از دسته آهنگهای ملی، آلبومی پدید آمده با نام «طیب دل» با آهنگسازی «محمدجواد ضرابیان» و با صدای «سیامک شجریان» که حس و حال ترانه‌های ملی و مردم‌پسند را یکبار دیگر زنده کرده است.

نخستین و بزرگ‌ترین حسنی که می‌توان برای این اثر در نظر گرفت، پرهیز از هر گونه تقلید و تکرار، چه در آهنگسازی و تنظیم و چه در صدا و اجرای خواننده است. اصول سازبندی و تنظیم ارکستر «ضرابیان» امضای خاص خود او را دارد و در روزگاری که کپی‌کاری آثار دیگران به امری عادی بدل شده و حتی گاهی از افتخارات هم به شمار می‌آید؛ وی تنها به یاری ذوق و مهارت خویش نغمه‌ها را ساخته و پرداخته کرده است.

خواننده هم با آنکه نام سنگین «شجریان» را بر خود دارد، هیچ‌گونه شباهت و وابستگی با شخصیت‌های دیگری که با این نام شناخته شده‌اند، در صدایش به گوش نمی‌رسد. این هم نکته‌ای است قابل توجه کسانی که بدون هیچ وابستگی قومی، برای هر چه بیشتر درآوردن ادای شجریانها، سر و دست می‌شکنند.

صدای «سیامک» گرم و معطر است و انصافاً در میان خیل عظیم کسانی که با بی‌پروایی هر چه تمام‌تر خود را به شخصیت‌های اسم و رسم‌داری همچون «شهرام ناظری» و «شجریان بزرگ» می‌چسبانند، جای خالی چنین صدایی بسیار خالی می‌نمود و حضور این‌گونه صداها در موسیقی امروز ما غنیمتی پربها به حساب می‌آید.

نرمی و آرامش و حس دلسوختگی از ویژگی‌های دیگری است که صدای او را دلنشین و دوست‌داشتنی کرده است. به راستی اگر این قبیل افراد و هنرمندان دیگری که در کنج خلوت زانوی غم به بغل گرفته‌اند، گامی به پیش

گاهی با خود فکر می‌کنم که از میان افرادی که این روزها سنگ موسیقی اصیل را به سینه می‌زنند و با تعصبات سنت‌گرایانه خود فاصله بین مردم و موسیقی را هر چه بیشتر می‌کنند، کدام یک بیش از «روح‌اله خالقی» برای حفظ ارزشها و خلق آثاری که در عین اصالت، موردپسند مردم هم باشد، زحمت کشیده‌اند؟ در طول پنجاه سال گذشته کمتر پژوهشی را در باب موسیقی ایران می‌توان یافت که به نوعی از یکی از تألیفات خالقی به‌عنوان منبع استفاده نکرده باشد.

در حیطه آهنگسازی هم آن بزرگ‌مرد با تکیه بر دانش وسیع و ذوق سرشار خود همواره از بهترینها بوده است. تصنیف «بهار دلنشین» را به خاطر بیاورید. آیا اثری مردمی‌تر و ماندگارتر از این آهنگ سراغ دارید؟ زمانی «علیزاده» در جایی گفته بود: «اینکه می‌گویند موسیقی پاپ، مردمی است، مگر موسیقی ما ضد مردمی است؟» مگر نه این است که ذره ذره موسیقی ایران از اعماق عشقها و رنجها و شادیهای همین مردم سربرآورده است؟ و البته هر گاه کسی پیدا شد و دانش و توان موسیقایی خود را با عواطف مردمی نهفته در این موسیقی، آمیخته کرد، اثری به‌وجود آمد که جاودانگی خصیصه جدایی‌ناپذیر آن گردید. یافتن مثالهایی برای این آثار کار چندان دشواری نیست: ای ایران، الهه ناز، سرگشته، خزان عشق و دهها اثر دیگری که اکنون جزئی از میراث فرهنگی ما گشته‌اند. غالب این آثار هم با استفاده از ارکسترهایی پدید آمده‌اند که در آنها سازهای سمفونیک با سازهای ایرانی هم‌نوا شده و گونه‌ای از موسیقی را ایجاد کرده‌اند که شاید بتوان عنوان ملی را برای آن برگزید. نکته قابل توجه اینکه چنین آهنگهایی معمولاً بیش از آثاری که صرفاً با سازهای سنتی به اجرا درآمده، مورد پسند ذائقه عموم قرار گرفته‌اند. چه‌بسا اگر روند تولید آهنگهای ملی با این حال و هوا تداومی منطقی می‌یافت،

آواز یک شجران
سبک آوازهای نوین

طبع دل

All rights are reserved to Musicial Center of Hozeyeh Honari

نهند و فعالیت هنری را از سر بگیرند، دیگر مجالی برای یکه تازی برخی که با مشاهده میدان تهی، جولانگاهی برای تاخت و تاز بی هنرانه خویش یافته اند، فراهم نخواهد شد.

از دیگر امتیازاتی که می توان بر این مجموعه برشمرد، یکی ساخت و تنظیم قطعات در دستگاههای مختلف است که ضمن معرفی این دستگاهها، فضای متنوعی را به وجود آورده است و دیگر اینکه کلام تصنیفها از میان اشعار شاعران بزرگی انتخاب شده که اغلب طبع قدرتمندی در ترانه سرایی داشته اند، البته به غیر از «سعدی» و «هلالی جغتایی» که آنها هم بی تردید درک عمیقی از موسیقی داشته اند. همه اینها باعث شده که تلفیق شعر و موسیقی در این اثر به مرتبه قابل قبولی دست یافته باشد.

همان گونه که اشاره شد تصنیفهای این مجموعه هر کدام در دستگاه و آواز خاصی ساخته شده اند که این از نقاط

قوت کار است؛ اما ای کاش در عنوان بندی نوار در مقابل نام تصنیف و شاعر، دستگاه یا آوازی هم که تصنیف در آن اجرا شده است، معرفی می شد تا شنونده غیر حرفه ای، آشنایی مختصری هم در این زمینه به دست می آورد.

ترانه آغازین مجموعه با نام «آتش» و با شعری از «رهی معیری» در دستگاه ماهر است. دستگاهی با فضای سرزنده و امیدوارکننده که شور و نشاط زندگی را در شنونده بیدار می کند:

عشق بی گریه شوری ندارد

شمع افسرده نوری ندارد

پس از خواندن بیت فوق گروه سازهای زهی به سمت گوشه شکسته ماهر حرکت می کنند و خواننده در این گوشه آوا سر می دهد:

رفتی از کلبه من به صحرا، لب فرو بسته از گفت و گویی
بوی گل بودی و بوی گل را، باد هر دم کشاند به سویی
و سپس باز فرود به ماهوره:

امشب ای گل به کوی که رفتی

دامن افشان به سوی که رفتی

در قسمت بعد، با اشاره ای به گوشه «راک» حالتی حزن آلود و شکوه آمیز پدید می آید و برای لحظاتی فضای با طراوت ماهر کنار می رود:

در دل تنگ من آتش افروخت، عشق آتش فروزی که

دارم ناگهان همچو گل خواهم سوخت، آتش سینه سوزی که

دارم تکنوازی کمانچه در فاصله دو مصراع، زیبایی اندوه عمیق «راک» را دوچندان می کند. با فرودی دوباره به ماهر و صدایی که می خواند: «سوزد از تاب غم پیکر من تا چه سازد به خاکستر من» تصنیف پایان می پذیرد.

تصنیف دوم «آواز نگاه» است با کلام «هوشنگ ابتهاج»، شاعری که شخصیت موسیقایی و شاعرانه را در هم آمیخته و از این آمیختگی چهره ای منحصر به فرد از خود ساخته است.

عنوان «نگاه» در میان آثار ضرابیان از جایگاه ویژه ای برخوردار است. وی پیش از این هم تصنیفهای «ناز نگاه» و «مست نگاه» را ساخته بود و اینک «آواز نگاه»، ترانه عاشقانه در دستگاه نوا:

موسیقی چشم تو گویاتر است
از لب پرناله و آواز من

وه که تو هم گر بتوانی شنید

زین نکه نغمه سرا راز من

نغمه ها ملایم و موج به پیش می روند و در میانه راه تکنوازی عود، کوتاه و تأثیرگذار، اندوه عاشقانه تصنیف را افزون تر می کند.

در تقابل با آرامش «آواز نگاه» تصنیف سوم یعنی «کهربا» با ریتمی دو ضربی و تا حدی پرتحرک شنونده را به شور و هیجان دعوت می‌کند. اینجا هم آواز افشاری با کلام سایه همچون تار و پودی در هم تنیده شده و آهنگی شنیدنی پدید آورده‌اند:

من نه خود می‌روم او مرا می‌کشد
گاه سرگشته را کهربا می‌کشد
گوشه «عراق» هم در میان زخمه‌های تار و تک مضرابه‌ای
سنتور، خودی نشان می‌دهد:
سایه او شدم، چون گریزم از او
در پُاش می‌روم تا کجا می‌کشد
چهارگاه، دستگاهی است سرشار از حماسه و غرور و
به وقتش هم پُر از لطافت و شاعرانگی؛ و تصنیف چهارم
این نوار، یعنی «آشنای نظر» در همین دستگاه است.
به کارگیری کلام «هلالی جغتایی» گویای این است که
علاوه بر بزرگان ادب فارسی که سالها شعرشان دستمایه
موسیقی‌سازان بوده، شاعران دیگری هم هستند که با
جست‌وجویی در مجموعه اشعارشان می‌توان به شعرهای
نابی دست یافت که برای تلفیق با موسیقی - قابلیت بالایی
در خود نهفته دارند.

در مقدمه تصنیف «آشنای نظر» صدای نی که به آرامی
از میان دیگر سازها نمایان می‌شود، شنونده را به تأملی
عارفانه فرا می‌خواند و راز و نیاز عاشقی را مجسم می‌کند
که در درگاه معشوق به اظهار عجز و خاکساری می‌پردازد:
افتاده بر خاک درت، خوش آنکه آبی بر سرم

تو زیر پا بینی و من بالای سر بینم تو را
و اندکی بعد در گوشه «مخالف» چنین درددل می‌کند:
یکبار بینم روی تو، دل را چه سان تسکین دهم
تسکین نیابد جان من، صدار اگر بینم تو را
پس از آن گروه زهی، با چند اشاره کوتاه، مسیر نغمات
را به سمت گوشه «بیداد» همایون منحرف می‌کنند و
خواننده در فضایی بیداد مانند، فریاد سر می‌دهد:

صد بار آیم سوی تو، تا آشنا گردی به من
هر بار از بار دگر بیگانه‌تر بینم تو را
و با تحریری ملایم به چهارگاه برمی‌گردد و تمام.

«طیب دل» آغازگر روی دوم نوار است. آواز ابوعطا و شعر
«سیمین بهبهانی». سیامک شجریان اوج احساس خود را در
این تصنیف به نمایش می‌گذارد. با حس خواندن شاخصه‌ای
است که در میان بسیاری از خوانندگان امروز فراموش شده
است و اکثر آنها به جای ادای کامل حس و حال موسیقی،
بیشتر به بلغور کردن کلمات شعر می‌پردازند. اما شجریان
در اینجا با هنرنمایی خویش، احساس سوخته‌دلانه خود
را چنان با موسیقی و شعر می‌آمیزد که گویی به راستی با
معشوقی پنهانی در گفت‌وگو است:

ای همچو آتش فروزان
پا تا سرم را بسوزان
و بعد در حجاز می‌خواند:
در جام نوشم چه کردی، با عقل و هوشم چه کردی
خواهی زمستی نمیرم، تدبیر هشیاریم کن
با «پیتزیکاتو»ی گروه زهی، تصنیف «تسیم گل» آغاز
می‌شود. ترانه‌ای با تم محلی که موسیقی استان فارس را
در ذهن تداعی می‌کند. هم‌نوازی سازهای ضربی محلی
همچون دمام و کرب که در کنار کمانچه به کار گرفته
شده‌اند، همچون ترجیع‌بندی زیبا در جای جای آهنگ
خودنمایی می‌کند و جذابیت و شیرینی خاصی به این اثر
می‌بخشد:

تا کی سوزم ز تبه‌ها، تا کی نالم به شبها
تا کی سوزم، تا کی سازم
و باز هم «نگاهی» دیگر و این بار «شوق نگاه» در دستگاه
«سه‌گاه» با شعر «جوادی» (شاعری که بنده نمی‌شناسم و
بد هم نبود که اسمش می‌آمد). نقطه عطف این تصنیف هم
استفاده از «دوتار» است که با اجرایی طربناک در مقدمه
تصنیف، وجد و حالی را به ارمغان می‌آورد.

حسن ختام مجموعه همچون افتتاح آن تصنیفی است در
دستگاه ماهور که با غزل سعدی بزرگ متبرک شده است
و «تازه بهار» نام دارد. از ماهور حرکت کردیم و به ماهور
رسیدیم. آهنگ با تکنوازی تار و تمبک شروع می‌شود و
سپس ارکستر بزرگ، بدان می‌پیوندد و در این میان صدای
فلوت درخشندگی ویژه‌ای دارد. در جای دیگر هم پس
از اشاره‌ای کوتاه به گوشه شکسته، هم‌خوانی گروه تنوع
دلنشینی ایجاد می‌کند که یک‌صدا می‌خوانند:

چون تو درخت دل نشان، تازه بهار و گل‌فشان
حیف بود که سایه‌ای بر سر ما نگستری
و پس از آن گوشه «راک»:
من نه مخیرم که چشم از تو به خویشتن کنم
گر تو نظر به ما کنی، گر نکنی، مخیری
و بعد هم فرود به ماهور و پایان.

سخن آخر اینکه جای بسی شگفتی است که سازمان
سیمیا که این روزها صدای «هر از تبه قهر کرده‌ای» را
وقت و بی‌وقت همراه با تصویر به گوش مردم می‌رساند، تا
به حال هیچ‌یک از آهنگهای آلبومی که درباره‌اش سخن
گفتیم، را پخش نکرده است. البته رادیوی محترم پیام
استقبال خوبی را نشان داده و به رسالت فرهنگی خود آگاه
است. امیدواریم با تولید و ارائه هر چه بیشتر این گونه آثار
که هم رنگ و بویی از اصالت در خود دارند و هم از خاصیت
برقرار کردن ارتباط با مخاطب علاقه‌مند و غیرحرفه‌ای
برخوردارند، زمینه آشتی دوباره عموم مردم با موسیقی
ایرانی فراهم شود.